

نگاهی به روند تسهیل ورود حقوقی‌ها به حرفه وکالت

# تلاش نافرجام انحصارگران برای تغییر قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار

انحصارگرانی که به‌دنبال جلوگیری از تصویب قانون تسهیل صدور مجوزها و مخالفت در جذب و کیل بودند، امروز به بهانه‌های مختلف در صدد راه‌هایی برای فرار از اجرای قانون هستند

**گزارش یک حامد دهقان**

وکالت می‌گذرد. آغاز مبارزه با انحصار در جذب و کیل از سال ۹۵ با تشکیک کمپین حذف ظرفیت از وکالت و با هدایت حسین قربانزاده و با شعار «قابت را جایگزین انحصار می‌کنیم» آغاز شد. در آن سال‌ها کمتر کسی جرئت داشت به عملکرد کانون‌های وکلا ایراد بگیرد و حتی در آن زمان برخی اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه از جمله محمد مهدی توکلی و حسین میرمحمدصادقی از تشکیک کمپین حذف ظرفیت از آزمون وکالت حمایت کرده و مخالفت خود را با انحصار کانون وکلادر جذب و کیل اعلام داشتند که مدتی بعد از سوی برخی وکلای پدشدند که کتاب‌ها پشان را به آتش می‌کشند و برخی نیز اخطار تحریم خرید کتاب‌های آنها را دادند.

حسین میرمحمدصادقی، استاد شناخته‌شده حقوق، معتقد بود برای پذیرش داوطلبان در همه حرفه‌ها از جمله حرفه وکالت، معیار احراز صلاحیت علمی و شخصیتی جایگزین بهتری نسبت به معیار محدودیت نفرات است. در زمان محدودیت پذیرش داوطلبان، ورود به حرفه وکالت وضعیت چندان به سامانی نداشت به گونه‌ای که طی سال‌هایی که انتخاباتی در کانون وکلا انجام نمی‌شد، نه تنها ریاست و همه چیز انتصابی بود بلکه حتی هیچ فعالیت، تحرک جدی و نظام‌مندی هم در امر جذب و کیل انجام نمی‌شد. یعنی کلاس سیاست انقباضی جذب و کیل با تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوق هماهنگی و تناسب نداشت.

به طور کلی در دنیا طبیعی‌ترین و معمول‌ترین شغل دانش‌آموختگان حقوق، ورود به حرفه وکالت است. ولی در ایران طی آن سال‌ها قاضی شدن بسیار آسان‌تر از وکیل شدن بود. فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان حقوق بسیار زیاد است و حرفه وکالت است که باید با یکی از این موارد اصلاح روند پذیرش در حرفه وکالت است که باید با تعدیل رویکرد سیاست‌انقباضی، به معیار احراز صلاحیت علمی و شخصیتی بیش از محدودیت‌های ظرفیتی (که گاه تصنی هم است) توجه کرد تا هم نیازهای جامعه برطرف شود و هم فارغ‌التحصیلان رشته حقوق بتوانند در راستای رشته تحصیلی خودشان فعالیت حرفه‌ای و کسب درآمد داشته باشند.

**اشکالات جذب و کیل براساس ظرفیت**  
محمد مهدی توکلی، یکی دیگر از حقوق‌دانان، هم معتقد بود نحوه جذب وکلا اشکال دارد و ضرورت تحول در نحوه پذیرش و کیل را بدین شرح اعلام کرده بود.

اولین نکته‌ای که مطرح کرد این بود که این مسئله که دانشجویان حقوق پس از قبولی در این رشته و گذراندن واحدهای درسی متعدد و فراغت از تحصیل مجبور باشند مجدداً در رقابتی نفس‌گیر، استرس‌زا و غیرمتعارف شرکت کنند تا وارد عرصه اشتغال شوند با هیچ قاعده عقلی و منطقی همراه نیست.

مسئله دوم پاسخ به این شبهه بود که برخی کوشیدند با استناد به سطح پایین آموزش‌های دانشگاهی برای آزمون وکالت محملی عقابتی و توجیهی منطقی بپردازند؛ البته این دلیل نیز مردود است. اگر چه سطح پایین آموزش‌های دانشگاهی واقعیتی غیر قابل انکار است، اما این واقعیت نمی‌تواند توجیه‌گر آزمون غیرمتعارف وکالت با قبولی یکی نفر از هر ۳۰ تا ۴۰ نفر متقاضی باشد بلکه می‌توان با پیش‌بینی آزمون متعارف (که به صورت سالیانه برگزار می‌شود) و حذف ظرفیت‌های مضیق، این امکان را فراهم کرد تا دانش‌آموخته‌های حقوق به هر تعداد، در صورت کسب حد نصاب علمی در آزمون‌های سالیانه، بتوانند به شغل وکالت دست یابند.

سومین نکته‌ای توکلی اذعان به این واقعیت بود که حذف ظرفیت و ملاک قرار دادن حد نصاب علمی برای ورود به عرصه وکالت با این اشکال مواجه است که می‌توان با افزودن بر پشت‌سختی آزمون، عملاً تعداد ورودی‌های عرصه وکالت را باز هم ناچیز نمود، ولی این ایراد نیز



طرح حسین کشمکشکنار

مؤسسات آموزشی حقوقی در تعیین و انتخاب اعضای هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز جهت کسب سود بیشتر از عرصه آینده شغلی مهم فارغ‌التحصیلان وکالت شد.

با استناد به تعداد وکلا و عدم اشتغال برخی از آنها، تمام تلاش خود را برای کاهش ظرفیت پذیرش وکالت به کار برده بودند. این در حالی است که اولاً عدم اشتغال برخی وکلای ناپدید مانع اشتغال سایر علاقه‌مندان به این شغل و ثانیاً عدم علاقه‌مندی برخی وکلا به انجام امور حرفه‌ای وکالت امری خودخواسته است که به دلایل شخصی وکلای مزبور باز می‌گردد. ثالثاً وکالت برای بسیاری از وکلا به عنوان یک شغل ثابت تلقی نمی‌شود بلکه بسیاری از وکلا به موازات سایر اشتغالات خود مانند فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی، اعمال تجاری و مشاغل اقتصادی، به وکالت هم مبادرت می‌ورزند. رابعاً اینکه جوانانی که حداقل چهارسال از بهترین ایام عمر خود را برای کسب دانش در رشته حقوق گذرانده‌اند و موفق به کسب ليسانس حقوق شده‌اند، نباید پاسخ‌گویی بی‌برنامگی آموزش دولت و نهادهای آموزشی باشند.

در حال حاضر با جمعیت قابل توجهی از دانش‌آموختگان حقوق مواجهیم؛ دستگاه‌های قانونگذاری و اجرایی باید راهی برای اشتغال این عزیزان بیابند.

مسئله پنجم مورد اشاره توکلی این بود که کانون‌های وکلادر سالیان اخیر در مقاطع مختلفی موجب دامن زدن به جو بی‌اعتمادی نسبت به آزمون وکالت شده‌اند؛ ایرادات قابل توجه و پرتعداد سوالات که در سال‌های متوالی انبوهی از شبهات و ابهامات را در اذهان داوطلبان آزمون وکالت ایجاد کرده است.

توکل همچنین اشاره کرد آزمون وکالت به شیوه نامتعارف نه یک آزمون رقابتی، بلکه یک آزمون استهلاکی و فرصت‌سوز برای جوانان است و موجب ایجاد بازار سوداگری و سودجویی برخی مؤسسات در این عرصه و بی‌اخلاقی‌ها و دروغ‌پردازی‌ها و حتی نقش‌آفرینی برخی

با سپردن تمام مراحل برگزاری آزمون (اعم از طرح سوالات، برگزاری و اعلام نتایج) به یک نهاد بی‌طرف و منسجم علمی مانند سازمان سنجش قابل حل است.

چهارمین مسئله توکلی اشاره به این بود که برخی کانون‌های وکلا با استناد به تعداد وکلا و عدم اشتغال برخی از آنها، تمام تلاش خود را برای کاهش ظرفیت پذیرش وکالت به کار برده بودند. این در حالی است که اولاً عدم اشتغال برخی وکلای ناپدید مانع اشتغال سایر علاقه‌مندان به این شغل و ثانیاً عدم علاقه‌مندی برخی وکلا به انجام امور حرفه‌ای وکالت امری خودخواسته است که به دلایل شخصی

وکلای مزبور باز می‌گردد. ثالثاً وکالت برای بسیاری از وکلا به عنوان یک شغل ثابت تلقی نمی‌شود بلکه بسیاری از وکلا به موازات سایر اشتغالات خود مانند فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی، اعمال تجاری و مشاغل اقتصادی، به وکالت هم مبادرت می‌ورزند. رابعاً اینکه جوانانی که حداقل چهارسال از بهترین ایام عمر خود را برای کسب دانش در رشته حقوق گذرانده‌اند و موفق به کسب ليسانس حقوق شده‌اند، نباید پاسخ‌گویی بی‌برنامگی آموزش دولت و نهادهای آموزشی باشند.

در حال حاضر با جمعیت قابل توجهی از دانش‌آموختگان حقوق مواجهیم؛ دستگاه‌های قانونگذاری و اجرایی باید راهی برای اشتغال این عزیزان بیابند.

و تأمین شغلی بیشتر برای وکلای شاغل) ناشی از آن است که برخی مدیران کانون‌های وکلای بیش از آن که کانون وکلارا یک نهاد اجتماعی بدانند که باید به مصالح عموم اجتماع و رشد حقوقی مردم و منافع کلیت جامعه حقوقی بیندیشند، آن را به یک تشکل صنفی تنزل داده‌اند. نکته آخر توکلی هم این بود که یکی از اوصاف جامعه‌ای که از حیث حقوقی در سلامت باشد آن است که باید ورود به عرصه قضاوت به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر از ورود به عرصه وکالت باشد. قضاات از دانشی فراتر از وکلا داشته باشند و قضاات از حقوق و مزایای مالی به مراتب بیش از وکلادرخوردار باشند.

**تلاش‌ها برای تغییر قانون تسهیل**  
در نتیجه تلاش‌ها و استدلال‌های فوق بود که بالاخره قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار تصویب شد و مسیر برای عادلانه‌تر شدن ورود حقوقی‌ها به حرفه وکالت باز شد. اما این پایان مسیر نبود و بعد از تصویب قانون تسهیل نیز تلاش‌های زیادی برای تغییر قانون انجام شد که برخی از آنها اینگونه بود.

در اولین تلاش‌ها، محمد سزگی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، در یک نشست عمومی تعداد وکلای دادگستری را قریب به ۲۰ هزار نفر اعلام می‌کند. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که برابر استعلام‌اشده از سازمان امور مالیاتی، از زمان اجرایی شدن قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار فقط ۳۴ هزار کارآموز وکالت طی سه سال جذب شدند که با احتساب آمار اعلامی از سوی کانون‌های وکلا و مرکز وکلای قبل از تصویب قانون تسهیل (که جمعیت وکلای پایه یک دادگستری را ۸۰ هزار نفر اعلام کردند) مجموع وکلای فعلی (اعم از وکلای پایه یک دادگستری و کارآموزان) نزدیک به ۱۱۴ هزار نفر هستند. حتی مرکز وکلای قوه قضائیه در سایت رسمی خود تعداد وکلای جذب شده از سازمان ۱۴۰۰ تاکنون را بیش از ۷۰ هزار نفر اعلام کرده و زمانی که از آنها خواستیم به تفکیک هر سال تعداد افراد جذب شده اعلام کند تا مشخص شود چگونه طی چهارسال ۷۰ هزار نفر وکیل جذب کردند، در پاسخ اعلام داشتند: «سازمان سنجش استعلام بگیرید!»

دومین تلاش انحصارگران این بود که مدعی شده بودند داوطلبان آزمون وکالت می‌توانند با ارائه پاس‌نخنامه سفید و بدون پاسخ به هیچ‌یک از سوالات، نمره تراز ۳ هزار و ۵۰۰ کسب کرده یا تنها با پاسخ ۲۰ درصد سوالات، نمره تراز ۳ هزار و ۵۰۰ کسب کرده یا برابر استعلام انجام شده از سازمان سنجش آموزش کشور، اعلام شد ادعای قبولی در آزمون وکالت با پاسخ ندادن به سوالات یا پاسخ به تنها ۳۰ درصد از آنها بی‌اساس است و نمره تراز هر درس نیز بر اساس جامعه آماری و برآوردگی نمرات خام محاسبه شده و مقدار ثابتی ندارد. بنابراین، اگر داوطلبی به هیچ‌یک از سوالات درسی پاسخ ندهد، تراز آن درس معادل نمره صفر خواهد بود و امکان پیش‌بینی نمره تراز یا نمره کل وجود ندارد و نمره تراز هر درس به میزان پاسخگویی سایر داوطلبان بستگی دارد و حتی پاسخ دادن به ۲۰ درصد سوالات هم تضمینی برای کسب نمره حد نصاب قبولی نیست.

همچنین انحصارگران مدعی شده بودند از زمان اجرایی شدن قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار افرادی با نمره ۴ از ۲۰ از آزمون وکالت قبول شده‌اند و دارای برپانه وکالت هستند. بعد از استعلام از سازمان سنجش، این اعداد رد شد و سازمان سنجش اعلام داشت مبنای قبولی در آزمون وکالت نمره تراز است و اعلام حد نصاب با معیار عددی از ۲۰ تا ۴۰ فاقد هرگونه مبنای قانونی است و نمره کل نهایی داوطلبان بر اساس نمرات تراز شده محاسبه می‌شود؛ یعنی مشابه شیوه‌ای که در آزمون سراسری اعمال می‌شود. نمره تراز، عددی ثابت نیست و بسته به جامعه آماری و سطح نمرات داوطلبان، متغیر است. هیچ مصوبه‌ای برای سنجش نمرات بر مبنای ۲۰ وجود ندارد و اعلام نمره ۴ از ۲۰ برای برخی پذیرفته‌شدگان هیچ مبنای علمی ندارد.

یکی دیگر از ادعاهای انحصارگران برای تغییر قانون تسهیل مجوزهای کسب‌وکار، مبنی بر نبود برپنده و عدم مراجعه مردم به وکلا بود. بعد از استعلام سازمان امور مالیاتی که اعلام داشت در سال ۱۴۰۳، ۱۱۵ هزار و ۱۹۰ برپنده مالیاتی وکلای دادگستری مشمول تبصره ماده

۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم قرار گرفته که تعداد ۶۵ هزار و ۱۸۶ نفر از آنها تبصره‌شان را تأیید کردند و جمعاً مبلغی که موافقت کرده‌اند برابر با ۳۴۷/۸۳۷/۰۲۷/۱۶۳/۵ ریال بوده است، می‌توان با توجه به جویابه‌فوق اعلام کرد که ۵۷ درصد وکلای دادگستری مالیات تعیینی از سوی سازمان امور مالیاتی (که بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان است) را پذیرفته‌اند و اعتراضی نداشتند و این مسئله مؤید آن است که اکثر وکلادر وضعیت درآمدی خوبی به سر می‌برند.

مورد پنجمی که انحصارگران مدعی بودند اینکه ورود برخی افراد به دانشگاه آزاد بدون شرکت در آزمون سراسری و حذف ظرفیت در آزمون وکالت، موجب تسهیل ورود افراد صلاحیت علمی به حرفه وکالت شده و این موضوع می‌تواند جان، مال و حقوق مردم را به خطر اندازد. اما برابر استعلام انجام شده از سوی محمدتقی تقدعلی، نماینده مجلس شورای اسلامی از سازمان سنجش مشخص شد: بالاترین نمره کل تراز یک درصد برتر از آزمون وکالت ۱۳ هزار و ۳۴۴ و کمترین آن ۹ هزار و ۶۳۰ بوده و از مجموع یک‌درصد برتر از آزمون (که به‌عنوان نتخبان حوزه وکالت شناخته می‌شوند)، ۳۵۵ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی، ۵۲ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های دولتی، ۹۵ نفر دانش‌آموخته دانشگاه پیام نور، ۵۴ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی هستند. همچنین ۱۹ نفر فارغ‌التحصیل حوزه‌های علمیه و ۱۶ نفر دانش‌آموخته دانشگاه جامع علمی کاربردی هستند.

میانگین نمره کل تراز یک درصد برتر به تفکیک نوع دانشگاه نیز بدین شرح است: دانشگاه جامع علمی کاربردی با میانگین تراز ۱۰ هزار و ۱۷۱ در رتبه اول، دانشگاه آزاد اسلامی با ۲۹۰، دانشگاه پیام‌نور با ۱۰ هزار، دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی با ۹ هزار و ۹۳۲، حوزه علمیه با ۹ هزار و ۹۰۳ و دانشگاه‌های دولتی با ۹ هزار و ۸۷۹ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این آمارها نشان می‌دهد؛ فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی، از جمله دانشگاه آزاد اسلامی، نه‌تنها از سطح علمی پایین‌تری برخوردار نیستند، بلکه در میان یک درصد برتر از آزمون وکالت، میانگین نمرات بالاتری نسبت به برخی دانشگاه‌های دولتی کسب کرده‌اند.

مسئله هفتمی که انحصارگران مطرح می‌کردند، ادعای کارشناسی نبودن قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار بود. این ادعا در حالی مطرح شد که سیدمحمدحسین محمدی، نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی اعلام داشته بود: «در راستای نظرات بر حسن اجرای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و برخی انتقادات نسبت به نحوه اجرای این قانون برای صدور مجوزهای وکالت، جلسه‌ای با اعضای هیئت مدیره کانون وکلای مرکز برگزار شد و نظرات اعضای کانون وکلادر مورد این قانون استماع شد و جمع‌بندی اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بر این بود که در عین اجرای قانون تسهیل، تدبیری اندیشیده شود که نحوه جذب وکلا کیفی‌سازی شود. البته این قانون با کار کارشناسی در مجلس گذشته تصویب شده است.»

همچنین انحصارگران مدعی شدند اکثر پذیرفته‌شدگان افراد بازنشسته و بالای ۵۰ سال هستند. اما سازمان سنجش آموزش کشور امار متفاوتی ارائه کرده و طبق آن، در آزمون وکالت مرکز وکلای قوققضائیه ۹۰۳ هزار و ۹۰۳ نفر از شرکت‌کنندگان در باره سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار داشته‌اند که از این تعداد، ۸ هزار و ۲۵ نفر حد نصاب قبولی را کسب کرده‌اند. تعداد داوطلبان بالای ۵۰ سال (۱۵ سال و بیشتر) که در جلسه آزمون حضور داشته‌اند، ۶ هزار و ۷۷۵ نفر بوده که از این میان، تنها ۶۴۷ نفر حد نصاب قبولی را کسب کرده‌اند. همچنین در آزمون وکالت کانون‌های وکلای دادگستری، ۳۷ هزار و ۸۲۶ نفر از شرکت‌کنندگان در باره سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار داشته‌اند که از این تعداد، ۵ هزار و ۲۴۰ نفر حد نصاب قبولی را کسب کرده‌اند. تعداد کل پذیرفته‌شدگان این آزمون ۷ هزار و ۸۵۷ نفر بوده است. این آمار نشان می‌دهد بر خلاف ادعای مخالفین قانون تسهیل، بخش قابل توجهی از شرکت‌کنندگان و پذیرفته‌شدگان آزمون وکالت در باره سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار دارند.

## روند تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار

**جریمه و تبیعات حقوقی**  
ارائه اطلاعات نادرست یا عدم رعایت تعهدات موجب ابطال مجوز و محرومیت دوساله متقاضی از استفاده از خدمات در گام ملی می‌شود. در فرآیند مجوزدهی بر داشته شده است. مطابق قانون، همه مدارک و معیارهای صدور مجوز باید شفاف و مشخص باشد و هرگونه شرط اضافه یا غیر ضروری حذف شود. هرگونه محدودیت جدید خارج از مفاد قانون مانند سهمیه‌گذاری جغرافیایی یا کسر سهم بازار تنها با توجه شرایط زیست‌محیطی و تصویب هیئت وزیران مجاز خواهد بود.

**نهادهای مسئول و نظارت**  
وظایف نظارتی و اصلاحی قانون عمدتاً بر عهده «هیئت مقررات‌زایی و بهبود محیط کسب‌وکار» و هیئت دولت گذاشته شد. هیئت مقررات‌زایی مجاز است مجوزهای جدیدی را به فهرست تأییدمحور اضافه کند و نظارت بر عملکرد مراجع مجوزدهنده را بر عهده دارد. همچنین برای مجوزهایی که مرجع مربوطه به درگاه الکترونیک منتقل نکرده باشد، پس از تأیید هیئت وزیران می‌توان وضعیت آنها را به ثبت‌محور تغییر داد و مدیران متخلف به مراجع تخلفات ادارا معرفی می‌شوند. اگر مرجع صدور مجوز در مهلت مشخص به درخواست متقاضی پاسخ ندهد، قانون «تلقی موافقت» کرده و مجوز به‌طور خودکار صادر می‌شود. در عین حال، دستگاه مسئول موظف است در صورت رد درخواست، دلایل آن را بر عهده کتبی اعلام کند. کاربران می‌توانند از طریق درگاه ملی شکایت خود را ثبت کرده و اجرای قانون را پیگیری کنند. مطابق قانون، از شهریور دین ۱۴۰۱ به بعد، درخواست مجوز کاغذی و منوط کردن آن به نظر مأموران دولت «خلاف قانون» شده است.

**حذف امضاهای طلایی و شرایط مبهم**  
قانون پیش‌نویس غیرشفاف را از فرآیند صدور مجوز حذف کرد. وزیر اقتصاد گزارش داد بالغ بر ۲ هزار و ۷۸۰ شرط مبهم یا «امضای طلایی» از فرآیند مجوزدهی برداشته شده است. مطابق قانون، همه مدارک و معیارهای صدور مجوز باید شفاف و مشخص باشد و هرگونه شرط اضافه یا غیر ضروری حذف شود. هرگونه محدودیت جدید خارج از مفاد قانون مانند سهمیه‌گذاری جغرافیایی یا کسر سهم بازار تنها با توجه شرایط زیست‌محیطی و تصویب هیئت وزیران مجاز خواهد بود.

**نهادهای مسئول و نظارت**  
وظایف نظارتی و اصلاحی قانون عمدتاً بر عهده «هیئت مقررات‌زایی و بهبود محیط کسب‌وکار» و هیئت دولت گذاشته شد. هیئت مقررات‌زایی مجاز است مجوزهای جدیدی را به فهرست تأییدمحور اضافه کند و نظارت بر عملکرد مراجع مجوزدهنده را بر عهده دارد. همچنین برای مجوزهایی که مرجع مربوطه به درگاه الکترونیک منتقل نکرده باشد، پس از تأیید هیئت وزیران می‌توان وضعیت آنها را به ثبت‌محور تغییر داد و مدیران متخلف به مراجع تخلفات ادارا معرفی می‌شوند. اگر مرجع صدور مجوز در مهلت مشخص به درخواست متقاضی پاسخ ندهد، قانون «تلقی موافقت» کرده و مجوز به‌طور خودکار صادر می‌شود. در عین حال، دستگاه مسئول موظف است در صورت رد درخواست، دلایل آن را بر عهده کتبی اعلام کند. کاربران می‌توانند از طریق درگاه ملی شکایت خود را ثبت کرده و اجرای قانون را پیگیری کنند. مطابق قانون، از شهریور دین ۱۴۰۱ به بعد، درخواست مجوز کاغذی و منوط کردن آن به نظر مأموران دولت «خلاف قانون» شده است.



طرح حسین کشمکشکنار

**مفاد اصلی قانون**  
بر اساس این قانون، مجوزهای کسب‌وکار به دو دسته اصلی: مجوزهای «تأییدمحور» – برای فعالیت‌های با حساسیت بالا و مجوزهای «ثبت‌محور» – تقسیم می‌شوند. برای مجوزهای ثبت‌محور، تکمیل ثبت‌نام در درگاه ملی مجوزها معادل صدور خودکار مجوز است. مجوزهایی که مخاطراتی مانند تهدید سلامت، محیط‌زیست، امنیت ملی یا نیاز به استفاده از منابع طبیعی دارند، جزء مجوزهای تأییدمحور و نیازمند بررسی مرجع مربوطه هستند. سایر مجوزها از چهار ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، سایر مجوزهای ثبت‌محور شناخته شده و اتمام ثبت‌نام در درگاه ملی مجوزها به‌معنای صدور خودکار مجوز است. در زمان ثبت‌نام نیز متقاضیان باید فرم تعهد به رعایت استانداردها و قوانین حرفه‌ای را امضا کنند. پس از ثبت‌نام الکترونیک، «مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب‌وکار» موظف است حداکثر ظرف سه‌روز کاری، مجوز نهایی را به‌همراه شناسه‌یکتا صادر و به دستگاه‌های نظارتی و تشکل‌های مرتبط اطلاع دهد و مجوزهای صادره را به‌صورت عمومی منتشر کند.

قانون برای مراحل اجرایی یک چارچوب زمانی معین کرد. تا سه‌ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، آن دسته از مجوزها که در درگاه ملی ثبت شوند به عنوان تأییدمحور باقی می‌مانند. از ماه چهارم به بعد، سایر مجوزها ثبت‌محور شدند و بلافاصله پس از ثبت‌نام صادر تلقی شدند. به این ترتیب، صدور مجوزهای ثبت‌محور در عمل ظرف حداکثر سه‌روز انجام می‌پذیرد.

**گزارش یک سجاد آذری**

سرتاجم قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار را در ۱۴۰۰ اسفند تصویب کردند. این قانون با هدف حذف «امضاهای طلایی» و موانع غیر ضروری در فرآیند دریافت مجوزهای اقتصادی و هوشمندسازی صدور آن‌ها، مفاد متعددی را تعیین کرده است. در حالی که موافقان قانون از کاهش فساد اداری و شفاف‌تر شدن فرآیند صدور مجوزها ستیخی می‌گویند، برخی‌ها نسبت به تصویب آن نگرانی‌هایی را مطرح کرده‌اند.

**روند تصویب قانون**  
بعد از کمپین‌های رفع انحصار فارغ‌التحصیلان حقوق و سپس از کش‌وقوس‌های فراوان، بالاخره طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار در مجلس شورای اسلامی مطرح و در مهر ۱۴۰۰ مراحل رسیدگی خود را آغاز کرد. در جلسه علنی ۲۱مهر ۱۴۰۰، «کلیات» طرح به تصویب نمایندگان رسید و متن آن برای تطبیق با قوانین بالادستی و موازین و شرح به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان نکاتی را در باره برخی مواد اعلام کرد و طراحان پس از اصلاحات لازم، متن نهایی را در ۲۴ اسفند ۱۴۰۰ بار دیگر به مجلس بردند. در آن جلسه علنی، قانون تسهیل مجوزها به تصویب نهایی رسید. شورای نگهبان طی نامه‌ای در ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ این قانون را مغایر با شرع یا قانون اساسی ندانست و آن را تأیید کرد.